

فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی - سال ۱۵ - شماره ۵۸ - تابستان ۱۳۹۷
صفحات ۱۶۱ تا ۱۷۹

بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی با شفافیت اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

حسن زلفی *

آسیه قدمی مشهور **

چکیده

شفافیت، هسته مرکزی گزارشگری مالی بوده و شفافیت گزارشگری مالی به معنای ارائه قابل درک واقعیت-های اقتصادی واحدهای تجاری از طریق گزارش‌های مالی است. از طرف دیگر، مدیریت سود، گزارش غیر واقعی عملکرد اقتصادی واحد تجاری است که به منظور گمراه نمودن برخی ذینفعان و یا تحت تأثیر قرار دادن نتایج قراردادی انجام می‌گردد. لذا در پژوهش حاضر، رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی با شفافیت اطلاعات حسابداری مورد مطالعه قرار گرفته است. نمونه آماری شامل ۱۱۲ شرکت از شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که طی سالهای ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۵ بررسی شده اند. برای سنجش مدیریت سود واقعی از مدل روچودری (۲۰۰۶) و برای اندازه‌گیری مدیریت سود تعهدی از مدل تعدیل شده جونز و شفافیت اطلاعات حسابداری نیز با استفاده از مدل بارت و همکاران (۲۰۰۹) اندازه‌گیری شده است. نتایج پژوهش نشان داد بین مدیریت سود واقعی رابطه معناداری با شفافیت اطلاعات حسابداری وجود دارد. بدین معنی که استفاده از اختیار در مورد تصمیمات عملیاتی، سرمایه‌گذاری و تأمین مالی که شاخص‌های مهم مدیریت سود واقعی هستند می‌توانند بر شفافیت اطلاعات مالی اثر گذار باشند. همچنین نتایج نشان داد که بین مدیریت سود تعهدی و شفافیت اطلاعات حسابداری رابطه معناداری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: مدیریت سود واقعی، مدیریت سود تعهدی، شفافیت اطلاعات حسابداری

* استادیار گروه حسابداری دانشگاه بوعلی سینا (نویسنده مسئول) zalaghi@basu.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی غیر انتفاعی الوند

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۷

مقدمه

شفافیت^۱، هسته مرکزی گزارشگری مالی مدرن بوده و پژوهش‌های پیشین (بوشمن و همکاران^۲ (۲۰۰۱)، فرانسیس و همکاران^۳ (۲۰۰۴)، مدهانی^۴ (۲۰۰۹)، بارث و همکاران^۵ (۲۰۱۰)، نشان داده‌اند که یکی از عوامل مهم موجب جذابیت شرکتها از دیدگاه سرمایه‌گذاران، شفافیت است. شفافیت در گزارشگری مالی می‌تواند اعتماد جامعه سرمایه‌گذاران را افزایش دهد. در طرف مقابل، عدم شفافیت می‌تواند موجب بدبینی و کژاخلاقی شده و در نهایت به ارزش‌گذاری ضعیف شرکت و عدم اطمینان بیانجامد. چنین عدم اطمینانی، ریسک اطلاعاتی برای بازیگران بازار به دنبال دارد؛ و تأمین سرمایه در این شرایط مستلزم نرخ بازده بالاتر و در نتیجه هزینه سرمایه بیشتر خواهد بود که می‌تواند کاهش قیمت سهم و عدم نقد شوندگی آن را به دنبال داشته باشد (یوسفی اصل و همکاران، ۱۳۹۳). نبود اطلاعات شفاف باعث تصمیم‌گیری‌های نامطلوب و در نتیجه اتلاف منابع اقتصادی، تخریب بازار سرمایه و در نهایت عقب ماندگی و فقر اقتصادی و کاهش رفاه عمومی می‌شود. شفافیت پایین نشان می‌دهد که اطلاعات کافی برای ارتباط برقرار کردن با سرمایه‌گذاران وجود ندارد و بنابراین یک عدم تقارن اطلاعاتی بین آنهاست که آگاهی دارند و آنهاست که اطلاعات کافی در اختیارشان نیست، وجود دارد، که این امر منجر به بروز صرف ریسک اطلاعات می‌شود. از دیدگاه سرمایه‌گذاران هر چه دقت و کیفیت اطلاعات ارائه شده از سوی شرکت بالاتر باشد، ریسک اطلاعاتی آن شرکت، پایین‌تر خواهد بود (قائمی و علوی، ۱۳۹۱). مزیت اطلاعاتی مرتبط با شفافیت صورتهای مالی این است که آگاهی سرمایه‌گذاران افزایش یافته و منجر به افزایش اعتماد سهامداران شده و هزینه سرمایه شرکت کاهش می‌یابد. شفافیت پایین و عدم تقارن اطلاعاتی باعث سر درگمی و ناآگاهی سهامداران و سایر سرمایه‌گذاران می‌شود (یو، ۲۰۰۵).

بوشمن و همکاران (۲۰۰۴) شفافیت گزارشگری مالی را به عنوان دسترسی گسترده به اطلاعات مربوط و قابل استناد در مورد عملکرد دوره، موقعیت مالی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، راهبری، ارزش و ریسک‌های که مورد مبادله عموم قرار می‌گیرند^۶ تعریف

1. Transparency
2. Buschman et al
3. Francis et al
4. Modahi
5. Barth et al

کرده‌اند. از دیدگاه بارث و اسپچیر (۲۰۰۸) شفافیت گزارشگری مالی به این معناست که گزارش‌های مالی واحد تجاری، واقعیت‌های اقتصادی واحد تجاری را به شیوه‌ای که برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی قابل درک باشند؛ ارائه کنند. شفافیت اطلاعات موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود و صورت‌های مالی شرکت‌ها در صورتی می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهد که شفاف باشد (یو، ۲۰۰۵). شفافیت پایین نشان می‌دهد که اطلاعات کافی برای ارتباط برقرار کردن با سرمایه‌گذاران وجود ندارد و بنابراین یک عدم تقارن اطلاعاتی بین آنهایی که آگاهی دارند و آن‌هایی که اطلاعات کافی در اختیارشان نیست، وجود دارد. از نظر (یو، ۲۰۰۵)، مزیت اطلاعاتی مرتبط با شفافیت صورت‌های مالی این است که آگاهی سرمایه‌گذاران افزایش یافته و منجر به افزایش اعتماد سهامداران شده و هزینه سرمایه شرکت کاهش می‌یابد. در شرایط عدم تقارن اطلاعاتی بروز پدیده مدیریت سود تسهیل می‌شود، زیرا مدیران می‌توانند در جهت افزایش منافع خود با هزینه سهام‌داران، فرصت طلبی بیشتری داشته باشند. در حقیقت، سهام‌داران نمی‌توانند به طور کامل عملکرد شرکت را مشاهده کنند و به همین دلیل، در محیطی که اطلاعات کم‌تری نسبت به مدیریت دارند، تصمیم‌گیری می‌کنند. در چنین محیطی، مدیران بهتر قادرند سودهای گزارش شده را مدیریت کنند.

هیلی و ویلن (۱۹۹۹) مدیریت سود را گزارش غیر واقعی عملکرد اقتصادی یک شرکت تعریف نمودند که به منظور گمراه نمودن برخی ذینفعان و یا تحت تأثیر قرار دادن نتایج قراردادی انجام می‌گردد. بنابراین احتمال می‌رود شرکت‌هایی که سودشان کمتر مدیریت شده باشد؛ کیفیت حسابداری بالاتری داشته و شفاف‌تر باشند.

امروزه مدیریت سود یکی از موضوعات بحث‌انگیز و جذاب در پژوهش‌های حسابداری است. مدیریت سود زمانی رخ می‌دهد که مدیران یا از اختیارات گزارشگری خود و یا از نفوذ و تاثیرگذاری خود بر تصمیمات عملیاتی، سرمایه‌گذاری و تأمین مالی استفاده می‌کنند تا به یک گزارش مطلوب دست یابند. از آنجا که تعیین سود هر واحد تجاری، متأثر از روشهای برآوردی حسابداری است و تهیه صورتهای مالی بر عهده مدیریت واحد تجاری می‌باشد؛ ممکن است بنا به دلایل مختلف، مدیریت واحد تجاری اقدام به مدیریت سود نماید. این اقدام مدیران می‌تواند به دو طریق صورت پذیرد؛ مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی و مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیت‌های واقعی (روچودهری^۱، ۲۰۰۶ و

1. Roychowdhury

گانی^۱، (۲۰۰۵).

یکی از تفاوت‌های این پژوهش با پژوهش‌های گذشته این است که اگرچه مدیریت سود واقعی از طرق مختلفی به وجود می‌آید که عبارتند از دستکاری هزینه‌های اختیاری (روی چودوری، ۲۰۰۶)، تولید اضافی (توماس و ژانگ، ۲۰۰۲)، تخفیفات نقدی فروش (یو، ۲۰۰۸)، تغییر زمان فروش دارایی‌ها (گانی، ۲۰۱۰)، فروش اوراق قابل معامله (هرمن و همکاران، ۲۰۰۳)؛ اما در این پژوهش به دلیل این که برخی از این متغیرها از قبیل هزینه‌های اختیاری (هزینه تحقیق و توسعه) در ایران یا افشاء نشده و یا امکان تفکیک ندارد و پیامد تمامی عوامل مورد اشاره به عنوان سازه اندازه‌گیری مدیریت سود واقعی تماماً تاثیر بر جریانهای نقدی است، لذا در این پژوهش از جریان‌های نقدی غیرعادی برای اندازه‌گیری مدیریت سود واقعی استفاده شده است. مدیریت سود واقعی با تغییر در زمان بندی یا ساختار فعالیت‌های واقعی واحد تجاری همراه بوده و مدیریت سود واقعی بر جریان‌های نقدی شرکت اثر مستقیم دارد. در این روش، وجوه نقد فدای سود تعهدی شده و موجب از بین رفتن ارزش شرکت به دلیل کاهش جریان‌های نقدی دوره‌های آتی می‌گردد.

از آنجا که در مقوله بررسی رابطه شفافیت اطلاعاتی با سایر متغیرها پژوهش‌هایی انجام شده؛ اما در مورد بررسی رابطه مدیریت سود واقعی و تعهدی با شفافیت اطلاعات حسابداری پژوهشی انجام نشده است؛ لذا هدف این مقاله، ارزیابی تاثیر مدیریت سود واقعی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی بر شفافیت اطلاعات حسابداری می‌باشد و سوال پژوهش این است که آیا شفافیت اطلاعات حسابداری سود تحت تاثیر هر دو نوع مدیریت سود واقعی و تعهدی در بازار در حال توسعه‌ی ایران که عدم تقارن اطلاعاتی در آن موج می‌زند است یا خیر؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

هدف اصلی تهیه صورتهای مالی و افشای اطلاعات مالی فراهم کردن اطلاعاتی مفید در رابطه با وضعیت مالی و نتایج عملیات واحد تجاری برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان است. بوشمن و همکاران شفافیت اطلاعات شرکت را وضعیتی می‌دانند که اطلاعات به طور گسترده‌ای در دسترس، مربوط، قابل اتکا، با کیفیت جامع و به موقع باشد (قائمی و

علوی، ۱۳۹۱). همچنین شفافیت سود عبارت از تغییر هم زمان سود و تغییر در سودآوری با بازده سهام تعریف شده است (بارت و همکاران، ۲۰۰۸). اسپچیر (۱۹۸۹) معتقد است که در صورتی، صورتهای مالی دارای محتوای اطلاعاتی هستند که شفاف بوده و سهامداران در مقایسه با سایر شاخصهای عملکرد از قبیل سود نقدی، جریانهای نقدی و تغییرات سود، اتکای بیشتری بر اطلاعات مربوط به سود دارند.

در ادبیات حسابداری ارائه تعریف روشن از مدیریت سود مشکل است، زیرا مرز میان مدیریت سود و تقلبهای مالی مشخص نمی‌باشد؛ ولی تفاوت‌های مفهومی آشکاری میان فعالیت‌های حسابداری تقلبی و قضاوت‌ها و برآوردهایی که در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری قرار می‌گیرند، وجود دارد و از آنها می‌توان جهت مدیریت سود سالم استفاده نمود (نوروش و همکاران، ۱۳۸۴). هیلی و واهلن (۱۹۹۹) بیان کردند مدیریت سود هنگامی اتفاق می‌افتد که مدیران قضاوتهایی را در گزارشگری مالی و ساختار معاملات، جهت تغییر گزارشگری مالی، استفاده کنند و این اقدام آنها یا به علت گمراه کردن سهامداران می‌باشد یا به علت تاثیر بر قراردادهایی که وابسته به اعداد حسابداری هست. اسپچیر (۱۹۸۹) مدیریت سود را دخالت هدفمند در فرآیند گزارشگری مالی خارجی با قصد تحصیل سود، تعریف کرد.

مدیریت سود تعهدی شامل انتخاب‌های حسابداری در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری است که در تلاش است عملکرد اقتصادی واقعی را مبهم نشان دهد (دجو و اسکینر، ۲۰۰۰). مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی استفاده از اختیارات حسابداری و گزارشگری به منظور دستیابی به اهداف مهم است. ارقام تعهدی به دو قسمت اختیاری و غیر اختیاری تقسیم می‌شوند. ارقام تعهدی اختیاری آن دسته از ارقام تعهدی هستند که تحت کنترل مدیریت می‌باشند و به راحتی هدف دستکاری واقع می‌شوند در حالی که ارقام تعهدی غیراختیاری^۱ تحت کنترل مدیریت واحد تجاری نمی‌باشند (انصاری و همکاران، ۱۳۹۲). در مقابل، استفاده از اختیار در مورد تصمیمات عملیاتی، سرمایه‌گذاری و تأمین مالی به منظور دستیابی به شاخص‌های مهم را مدیریت سود واقعی یا دستکاری فعالیت‌های واقعی گویند. در واقع مدیریت سود واقعی به عنوان گذر از رویه‌های عملیاتی عادی با هدف رسیدن به اهداف سود کوتاه مدت تعریف شده است (روی چودوری، ۲۰۰۶).

1. Discretionary accruals

مدیریت سود واقعی از طرق مختلفی به وجود می‌آید که عبارتند از دستکاری هزینه‌های اختیاری (روچودهری، ۲۰۰۶)، تولید اضافی (توماس و ژانگ، ۲۰۰۲)، تخفیفات نقدی فروش (یو، ۲۰۰۸)، تغییر زمان فروش دارایی‌ها (گانی، ۲۰۱۰)، فروش اوراق قابل معامله (هرمن و همکاران، ۲۰۰۳) که همگی به دستکاری سود منجر می‌شود. معمولاً ارزیابی مدیریت سود واقعی، رفتار فرصت طلبانه را آشکار می‌کند و سرمایه‌گذاران، بی‌کفایتی در استفاده از منابع را خواهند دید و این نوع مدیریت سود، یکی از پیامدهای مهم تضاد منافع بین سهامداران و مدیران است (خیراللهی و همکاران، ۱۳۹۳).

مشایخی و حسین پور (۱۳۹۵) دریافتند که مدیریت سود واقعی بر مدیریت سود تعهدی در شرکت‌های بورسی مشکوک به تقلب، تأثیر منفی و معناداری دارد. نرگسی (۱۳۹۲) با بررسی مدیریت سود مبتنی ارقام تعهدی و مدیریت سود واقعی در دوره‌های قبل و بعد از تصویب قانون بازار اوراق بهادار به این نتیجه رسید که بین مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و قانون بازار اوراق بهادار رابطه معکوس و معنادار و بین مدیریت واقعی سود و قانون بازار اوراق بهادار رابطه مستقیم و معناداری و رابطه معکوس و معناداری بین مدیریت سود تعهدی و مدیریت واقعی سود وجود دارد. قائمی و علوی (۱۳۹۱) نشان دادند که بین شفافیت اطلاعات و میزان نگهداری وجه نقد رابطه منفی و معناداری وجود داشته و شرکت‌هایی که دارای شفافیت اطلاعاتی بالاتر هستند وجه نقد کمتری نگهداری می‌کنند. دارابی و مرادلو (۱۳۹۰) با بررسی ارتباط بین شفافیت اطلاعات و محتوای اطلاعاتی سود حسابداری دریافتند که بین شفافیت اطلاعات با محتوای اطلاعاتی سود حسابداری رابطه مثبتی وجود ندارد.

سانجایا و ساراگیه^۱ (۲۰۱۲) دریافتند که معمولاً مدیریت سود واقعی در طی دوره جاری اتفاق می‌افتد و باعث افزایش زیان برای شرکت در پایان دوره می‌شود و در جهت اجتناب از زیان، مدیران، سود را از طریق ارقام تعهدی اختیاری مدیریت خواهند کرد. از طرفی انتظار می‌رود که تصمیمات مدیران برای دست‌کاری فعالیت‌های واقعی در طی دوره، به مدیریت سود تعهدی در پایان دوره اثرگذار باشد. مدیریت سود واقعی از آنجا که بر جریان‌های نقد شرکت اثرگذار است، محدودیت‌ها و مسئولیت‌هایی را برای مدیران ایجاد می‌کند؛ به نظر می‌رسد مدیران در تصمیمات خود برای مدیریت ارقام تعهدی، دست‌کاری‌هایی را که بر روی فعالیت‌های واقعی انجام داده‌اند را نیز در نظر

1. Sanjaya and Saragih

می‌گیرند و از ترکیبی از این انواع مدیریت سود استفاده می‌کنند (انصاری و همکاران، ۱۳۹۲).

با قویتر شدن نظارت بر بازار سرمایه و با توجه به احتمال بالای کشف مدیریت سود تعهدی توسط حسابرسان معتمد و کارشناسان سازمان بورس؛ انتظار می‌رود استفاده از مدیریت سود تعهدی با محدودیت‌ها و ریسک‌های بیشتری مواجه شده باشد و بنابراین، مدیران استفاده از این روش را کاهش داده باشند؛ اما کاهش در یک نوع مدیریت سود همیشه به معنای کاهش در کل مدیریت سود نیست، زیرا یک نوع مدیریت سود می‌تواند با نوع دیگر جایگزین شود. افزایش مدیریت واقعی سود یکی از نتایج بالقوه وضع قوانین بیشتر و سخت‌گیرانه‌تر است زیرا وجود نظارت بیشتر و مقررات صریح و محکم، موجب محدود شدن مدیریت اقلام تعهدی می‌شود و لذا تمایل به استفاده از مدیریت واقعی سود که احتمال کشف آن کمتر است، افزایش می‌یابد (اورت و واگنهافر^۱، ۲۰۰۵). از طرفی شناسایی مدیریت واقعی سود و قضاوت و اظهارنظر درباره آن، برای اشخاص خارج از واحد تجاری مشکلتر است (اسچپیر^۲، ۱۹۸۹).

از آنجایی که فعالان بازار سرمایه، خواهان اطلاعات شفاف، معتبر، قابل اتکاء، بیطرف و منصفانه‌ای در خصوص سود می‌باشند تا به تصمیمات سرمایه‌گذاری بپردازند، شفافیت سبب آشکار شدن توان سودآوری و اسرار تجاری شرکت برای رقبا و بسیاری از سرمایه‌گذاران می‌شود، یا به عبارتی شفافیت منعکس‌کننده این مطلب است که آیا سرمایه‌گذاران تصویری واقعی از آنچه واقعاً در داخل شرکت روی می‌دهد دارند یا خیر. از سوی دیگر یافته‌های پژوهش‌های مختلف وجود مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را تأیید می‌کند (مشایخی و همکاران، ۱۳۹۵؛ نوروش و همکاران، ۱۳۸۴).

خالد الامری^۳ (۲۰۱۶) با بررسی و مقایسه میزان استفاده از مدیریت سود واقعی در شرکت‌های دولتی و خصوصی به این نتیجه رسید که هر دو نوع شرکتها از مدیریت سود واقعی جهت اثر گذاشتن بر ارقام سود استفاده می‌کنند. این در حالی است که هنگام مدیریت جریان‌های نقدی و مدیریت هزینه‌های غیر اختیاری، میزان استفاده از مدیریت سود واقعی در شرکت‌های خصوصی نسبت به شرکت‌های دولتی، بیشتر است. یافته‌های

1. Ewert and Wagenhofer

2. Schipper

3. Khalid Al-Amri

پژوهش هانتون و همکاران^۱ (۲۰۰۶) نشان می‌دهد که هرچه شفافیت گزارشگری مالی بالاتر باشد فعالیت‌های مدیریت سود (تعهدی) کمتر خواهد بود. ناکاشیما و زیبارت^۲ (۲۰۱۵) در پژوهشی با بررسی تاثیر قانون سارینز آکسلی بر مدیریت سود و کیفیت سود در ژاپن به این نتیجه رسیدند که مدیریت سود تعهدی برای شرکت‌های نمونه در قبل و بعد از قانون سارینز آکسلی قابل ملاحظه بود؛ ولی مدیریت سود واقعی برای شرکت‌های نمونه برای بعد از قانون سارینز آکسلی کاهش یافته است. چنگک و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی وجود شفافیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس چین، نشان دادند که ارتباط معناداری بین شفافیت و ارزش سهام شرکت‌ها وجود دارد که حاکی از وجود شفافیت در بورس چین است.

فرضیه های پژوهش

با توجه به مبانی نظری ارائه شده، فرضیه‌های پژوهش به شرح ذیل تدوین شده است:

فرضیه اول: مدیریت سود واقعی با شفافیت اطلاعات حسابداری رابطه معناداری دارد.

فرضیه دوم: مدیریت سود تعهدی با شفافیت اطلاعات حسابداری رابطه معناداری دارد.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش به عنوان پژوهش‌های شبه تجربی و با استفاده از رویکرد پس‌رویداد (از طریق اطلاعات گذشته) است. اطلاعات گردآوری شده مبتنی بر اطلاعات واقعی بازار سهام می‌باشد. برای آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون چندگانه استفاده شده است. نمونه آماری شامل ۱۱۲ شرکت از شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که طی سالهای ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۵ با استفاده از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است. بدین منظور نمونه انتخابی شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده که شرایط زیر را داشته باشند:

الف) شرکت‌هایی که قبل از سال ۸۹ در بورس پذیرفته شده باشند

ب) جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، مالی و بانکها نباشند

ج) سال مالی شرکت‌های منتهی به ۲۹ اسفند باشد.

د) شرکت‌ها در دوره مورد مطالعه اطلاعات کاملی داشته باشند.

1. Hunton
2. Nakashima & ziebart

مدل و متغیرهای پژوهش

شفافیت اطلاعات حسابداری: در این پژوهش برای تعریف شفافیت اطلاعات حسابداری (شفافیت سود حسابداری) از مدل بارت و همکاران (۲۰۰۹) استفاده شده است. این مدل، شفافیت را تغییر همزمان سود و تغییرات سود با بازده سهام معرفی می کند. شاخصی که میزان شفافیت سود را اندازه گیری می کند ضریب تعیین R^2 است که از رگرسیون بازده سهام در برابر سود و تغییرات آن به دست می آید.

$$R_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 \frac{EPS_{i,t}}{P_{i,t-1}} + \alpha_2 \frac{\Delta EPS_{i,t}}{P_{i,t-1}} + \varepsilon_t$$

$R_{i,t}$ = بازده سالانه سهام شرکت i در سال t .

$EPS_{i,t}$ = سود هر سهم قبل از اقلام غیرعادی شرکت i در سال t .

$P_{i,t-1}$ = قیمت سهام در پایان سال $t-1$.

$\Delta EPS_{i,t}$ = تغییر در سود هر سال قبل از اقلام غیرعادی از سال $t-1$ تا t .

متغیرهای مستقل

مدیریت سود تعهدی (AEM):^۱ اقلام تعهدی اختیاری به عنوان معیاری از مدیریت سود در نظر گرفته می شود. برای اندازه گیری اقلام تعهدی اختیاری از قوی ترین مدل تعدیل شده جونز که توسط کوتاری و همکاران در سال ۲۰۰۵ ارائه شده است، استفاده می کنیم.

$$TA_{it} = E_{it} - CFO_{it} \quad (1)$$

که در آن TA_{it} جمع کل اقلام تعهدی؛ E_{it} سود خالص قبل از اقلام غیرمترقبه و CFO_{it} وجوه نقد حاصل از عملیات شرکت i در سال t می باشد. وجوه نقد حاصل از عملیات شرح زیر محاسبه می شود.

+ جریان نقد عملیاتی (CFO) طبق صورت جریان وجوه نقد = وجوه نقد حاصل از عملیات
+ جریان نقدی مرتبط با بازده سرمایه گذاری ها سود پرداختی بابت تأمین مالی طبق صورت
جریان وجوه نقد

جریان نقدی مرتبط با مالیات + سود سهام پرداختی

به منظور محاسبه اقلام تعهدی اختیاری، ابتدا باید اقلام تعهدی غیر اختیاری محاسبه شده و در نهایت از کل اقلام تعهدی کسر گردد. برای اندازه گیری مدیریت سود تعهدی از مدل

1. Accrual Earning Management

تعدیل شده جونز که توسط کوتاری و همکاران در سال ۲۰۰۵ ارائه شده ، استفاده شده است:

$$(۲) \quad TA_{it} / A_{it-1} = \alpha_0 + \beta_1 (1/A_{it-1}) + \beta_2 [(\Delta REV - \Delta REC) / A_{it-1}] + \beta_3 (PPE_{it} / A_{it-1}) + \beta_4 ROA_{it}$$

در رابطه بالا TA_{it} کل اقلام تعهدی ؛

A_{it-1} جمع کل دارایی های ابتدای دوره شرکت i در سال t ؛

ΔREC تغییر در خالص حساب ها و اسناد دریافتنی تجاری و

ΔREV تغییر در خالص درآمد شرکت i بین سال $t-1$ و t و

PPE_{it} مانده اموال، ماشین آلات و تجهیزات شرکت i در سال t و همچنین

ROA_{it} بیانگر نسبت سود خالص به جمع دارایی ها در سال t می باشد. در نهایت پس از تخمین مدل فوق، باقی مانده های مدل استخراج شده که بیانگر اقلام تعهدی اختیاری یا همان مدیریت سود می باشد.

مدیریت سود واقعی (REM): مدیریت سود واقعی که جریان نقد عملیاتی غیر عادی است با استفاده از نسخه اصلاح شده مدل رویچودری (۲۰۰۶) به صورت زیر محاسبه می شود. باقیمانده برآوردها بیانگر مدیریت سود واقعی است.

$$(۳) \quad CFO_{it} / AvAssets_{it} = \alpha_0 + \beta_1 (1 / AvAssets_{it}) + \beta_2 Sales / AvAssets_{it} + \beta_3 \Delta Sales_{it} / AvAssets_{it} + \varepsilon_{it}$$

Sales: فروش شرکت

Size: برابر است با لگاریتم جمع دارایی های شرکت.

LEV: برابر است با نسبت بدهی ها به دارایی های شرکت.

ROA: بازده دارایی ها: برابر است با تقسیم سود خالص به مجموع دارایی ها.

به منظور آزمون فرضیه های پژوهش از رگرسیون های چندگانه ذیل استفاده می شود.

برای آزمون فرضیه اول پژوهش از رابطه شماره ۴ استفاده می شود:

(۴)

$$1) \quad TRA_{it} = \beta_0 + \beta_1 REM_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

برای آزمون فرضیه دوم پژوهش از رابطه شماره ۵ استفاده می شود:

(۵)

$$2) \text{TRA}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{AEM}_{it} + \beta_2 \text{SIZE}_{it} + \beta_3 \text{ROA}_{it} + \beta_4 \text{LEV}_{it} + \varepsilon_{it}$$

نتایج پژوهش

به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش محاسبه و در جدول شماره یک ارائه شده است. آمار توصیفی شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، ماکزیمم و مینیمم متغیرهای پژوهش است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	تعداد	میانگین	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
شفافیت اطلاعات	TRA	۷۸۴	۰۳۰/۴۵	۵۳۰/۷۱۳	۰۷۹/۰	۸۹/۵۸
مدیریت سود تعهدی	AEM	۷۸۴	۱۳۸/۰	۸۵۷/۵	۰/۰۰۰۱	۲۴۷/۰
مدیریت سود واقعی	REM	۷۸۴	۱۳۸/۰	۹۱۹/۰	۰/۰۰۰۱	۱۲۵/۰
اندازه شرکت	SIZE	۷۸۴	۱۳۴/۶	۳۱۶/۸	۴۴۱/۴	۶۳۵/۰
اهرم مالی	LEV	۷۸۴	۰/۵۸۲	۰/۹۹۶	۰/۰۱۳	۰/۱۹۷
بازده داری‌ها	ROA	۷۸۴	۰/۳۵۶	۰/۹۹۸	۰/۰۰۰۵	۰/۲۱۶

طبق جدول شماره یک، میانگین شفافیت اطلاعات مالی به عنوان متغیر وابسته حدود ۴۵٪، مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی به عنوان متغیرهای مستقل حدود ۱۴٪ و میانگین اندازه شرکت، اهرم مالی و بازده داری‌ها به عنوان متغیرهای کنترلی پژوهش به ترتیب حدود ۲/۶٪، ۵۹٪ و ۳۵٪ است. همچنین بقیه مقادیر آمار توصیفی متغیرهای مدل‌های مدیریت سود واقعی و تعهدی در همین جدول ارائه شده است. جدول شماره دو ضرایب همبستگی میان متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. ضریب همبستگی یک رابطه متقارن می‌باشد، هر چه ضریب همبستگی به یک نزدیک‌تر باشد میزان وابستگی دو متغیر بیشتر است.

جدول ۲. ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

نماد	TRA	AEM	REM	SIZE	LEV	ROA
TRA	1					
احتمال	----					
AEM	030/-	1				
احتمال	407۰/	----				

			1	033/-	857**۰/	REM
			----	358/	000۰/	احتمال
		1	048/-	012/	-.027	SIZE
		----	180/	727/	452۰/	احتمال
	1	**۰/۱۱۴	**۰/۷۸۶-	047/	**۰/۶۶۹-	LEV
	----	000/	000/	۰/۱۸۶	000/	احتمال
1	-	033۰/	087*۰/	076*۰/	/109**۰	ROA
----	070۰/	354۰/	015۰/	034۰/	002۰/	احتمال

همان طور که از جدول شماره دو مشخص است ارتباط بین مدیریت سود تعهدی (AEM) (-۰/۰۳۰)، با شفافیت اطلاعات حسابداری (TRA) منفی و معنی دار است. این خود نشان دهنده این است که این دو متغیر با یکدیگر ارتباط منفی داشته و به نوعی می توان گفت کاهش (افزایش) مدیریت سود تعهدی باعث افزایش (کاهش) شفافیت اطلاعات حسابداری می شود.

قبل از تخمین مدل، لازم است مانایی متغیرهای آن مورد بررسی قرار بگیرد. یک متغیر، زمانی ماناست که میانگین، واریانس و کواریانس آن در طول زمان ثابت باقی بماند. از بابت بررسی مانایی سری های زمانی نیز از آزمون ریشه واحد استفاده شد. برای آزمون ریشه واحد از روشهای آماری مختلفی استفاده شده است، از جمله می توان روش های آماری ایم- پسران وشین، دیکی فولر تعمیم یافته و فیلیپس پرون اشاره کرد.

جدول ۳. نتایج آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

نتایج	دیکی فولر		متغیرها
	احتمال	آماره	
مانا	۰/۰۰۰	-۸/۰۸۵	شفافیت اطلاعات مالی
مانا	۰/۰۰۰	-۲۷/۰۲	مدیریت سود تعهدی
مانا	۰/۰۰۰	-۸/۰۸۷	مدیریت سود واقعی
مانا	۰/۰۰۰	-۸/۰۶۱	اندازه شرکت
مانا	۰/۰۰۰	-۷/۲۲۶	اهرم مالی
مانا	۰/۰۰۰	-۱۳/۱۱۴	بازده داری ها

نتایج جدول شماره سه نشان می دهد که کلیه متغیرها در سطح مانا هستند. با توجه به

نتیجه آزمون ریشه واحد، فرض صفر مبنی بر وجود ریشه واحد رد می‌شود. در نتیجه می‌توان بیان کرد نتایج رگرسیون ساختگی و جعلی نیست. برای انتخاب بین روش‌های داده‌های تابلویی و داده‌های تلفیقی، از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. با توجه به بررسی انجام شده بر روی آزمون F لیمر، در برای آزمون فرضیه پژوهش، از مدل ساختار ترکیبی پانل استفاده می‌شود. همچنین نتیجه آزمون هاسمن نشان می‌دهد برای برآورد مدل فرضیه اول از اثرات تصادفی استفاده می‌شود. جدول شماره ۴ نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش یعنی بررسی رابطه مدیریت سود تعهدی با شفافیت اطلاعات حسابداری را نشان می‌دهد

جدول ۴. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول

نام متغیر	نماد	ضریب	خطای	آماره t	سطح معناداری
مدیریت سود تعهدی	AEM	422/1	880/5	0/242	0/809
اندازه	SIZE	559/4	819/2	1/617	0/106
اهرم	LEV	25/-209	622/7	-27/45	0/0000
بازده دارایی‌ها	ROI	69/20	253/7	2/853	0/0045
عرض از مبداء	C	36/131	75/17	7/401	0/0000
ضریب تعیین		۰/۴۸۵۷			
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۴۸۳۱			
فیشر (سطح معناداری)		۱۸۳/۹۶ (۰,۰۰۰)			
مقدار دوربین واتسون		۱/۸۳			

نتیجه آزمون لیمر برای فرضیه این پژوهش، نشان داد برای برآورد مدل باید از روش پانل و از مدل رگرسیون حداقل مربعات استفاده شود. نتایج تخمین مدل آزمون فرضیه اول پژوهش نشان می‌دهد که میزان ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۴۸۳ است که نشان می‌دهد ۴۸ درصد تغییرات متغیر وابسته (شفافیت اطلاعات حسابداری) توسط متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می‌شود.

نتایج حاصل از بررسی خود همبستگی جملات خطا با استفاده از آماره دوربین واتسون (۱/۸۳) نیز بیانگر عدم وجود خود همبستگی بین خطاهای مدل است. نتایج مربوط به آماره F در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که مدل کلی پژوهش حاضر معنادار است زیرا که سطح معناداری کمتر از سطح خطای یک درصد است. نتایج جدول شماره چهار نشان

می‌دهد که سطح معناداری برای متغیر مدیریت سود تعهدی بیشتر از ۰/۰۵ است (۰/۸۰۹) که این نشان می‌دهد متغیر مستقل رابطه معناداری با متغیر وابسته ندارد و یا به عبارتی بین مدیریت سود تعهدی و شفافیت اطلاعات حسابداری رابطه معناداری وجود ندارد. بنابراین فرضیه اول پژوهش رد می‌شود. همچنین در بین متغیرهای کنترلی اگرچه اندازه شرکت رابطه معناداری با شفافیت اطلاعات حسابداری نداشته اما متغیرهای نسبت اهرمی و بازده داراییها با توجه ضریب مثبت و معناداری در سطح خطای کمتر از یک درصد دارای رابطه مستقیم و معناداری با شفافیت اطلاعات حسابداری هستند.

جدول ۵ نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم یعنی بررسی رابطه مدیریت سود واقعی با شفافیت اطلاعات حسابداری را نشان می‌دهد

جدول ۵. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب رگرسیون	خطای معیار	آماره t	سطح معناداری
مدیریت سود	REM	29/401	90/13	87/28	0000/0
اندازه	SIZE	103/1	715/1	643/0	520/0
اهرم	LEV	553/3	870/8	401/0	689/0
بازده دارایی	ROI	383/9	989/4	881/1	060/0
عرض از مبداء	C	885/-22	976/11	911/-1	0564/0
ضریب تعیین		۰/۷۳۶			
ضریب تعیین		۰/۷۳۴			
فیشر (سطح معناداری)		(۰/۰۰۰) ۵۴۲/۲۴			
مقدار دوربین - واتسون		۱/۸۵			

نتیجه آزمون لیمر برای فرضیه این پژوهش نشان داد برای برآورد مدل باید از روش پانل و از مدل رگرسیون حداقل مربعات استفاده شود. نتایج تخمین مدل آزمون فرضیه دوم پژوهش نشان می‌دهد میزان ضریب تعیین برابر با ۰/۷۳۵ است. به عبارتی ۷۳ درصد تغییرات متغیر وابسته (شفافیت اطلاعات حسابداری) توسط متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می‌شود.

نتایج حاصل از بررسی خود همبستگی جملات خطا با استفاده از آماره دوربین و اتسون (۱/۸۵) نیز بیانگر عدم وجود خود همبستگی بین خطاهای مدل است. نتایج مربوط به آماره F در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که مدل کلی پژوهش حاضر معنادار است زیرا که سطح معناداری کمتر از سطح خطای یک درصد است. همچنین نتایج جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که ضریب متغیر مدیریت سود واقعی مثبت بوده و سطح معناداری این متغیر مدیریت کمتر از یک درصد است که این نشان می‌دهد مدیریت سود واقعی با شفافیت اطلاعات حسابداری رابطه مستقیم و معناداری دارد. همچنین در بین متغیرهای کنترلی اندازه شرکت و نسبت اهرمی رابطه معناداری با شفافیت اطلاعات حسابداری نداشته؛ اما متغیر بازده داراییها با توجه ضریب مثبت و معناداری در سطح خطای کمتر از یک درصد دارای رابطه مستقیم و معناداری با شفافیت اطلاعات حسابداری است.

بحث و نتیجه گیری

شفافیت، هسته مرکزی گزارشگری مالی بوده و شفافیت گزارشگری مالی به معنای ارائه قابل درک واقعیت‌های اقتصادی واحدهای تجاری از طریق گزارش‌های مالی است. از طرف دیگر، مدیریت سود، گزارش غیر واقعی عملکرد اقتصادی واحد تجاری است که به منظور گمراه نمودن برخی ذینفعان و یا تحت تأثیر قرار دادن نتایج قراردادی انجام می‌گردد. لذا در این پژوهش حاضر، رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی با شفافیت اطلاعات حسابداری مورد مطالعه قرار گرفت. اختیار عمل مدیران در استفاده از اصل‌های تحقق، تطابق و برآورد و دستکاری‌های صورت گرفته توسط آنها از جمله عواملی است که شفافیت سود را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بسیاری از مدیران ممکن است بنا به دلایلی نظیر ابقا در شرکت و دریافت پاداش خواسته یا ناخواسته وضعیت شرکت را مطلوب جلوه دهند. از این رو، اطلاعات مالی منتشر شده در صورت‌های مالی، به ویژه سود حسابداری که مبنای بسیاری از تصمیم‌گیری‌هاست، غیر شفاف و توأم با ابهام است. فقدان شفافیت و افشای نامناسب اطلاعات توسط شرکت‌ها، عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و مالکان را افزایش داده منجر به مخاطره اطلاعاتی و عدم اطمینان می‌شود.

هدف پژوهش بررسی رابطه بین مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی با شفافیت اطلاعات حسابداری بود. نتایج حاصل آزمون فرضیه اول پژوهش که با استفاده از داده‌های مربوط به ۱۱۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۹ تا

۱۳۹۵ بدست آمد نشان داد که بین مدیریت سود تعهدی و شفافیت اطلاعات حسابداری رابطه معناداری وجود ندارد. بدین معنی که دستکاری ارقام تعهدی اختیاری که تحت کنترل مدیریت می‌باشند و ارقام تعهدی غیراختیاری که تحت کنترل مدیریت واحد تجاری نمی‌باشند تاثیری بر کاهش یا افزایش شفافیت اطلاعات حسابداری ندارد. اما نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش حاکی از آن بود که بین مدیریت سود واقعی و شفافیت اطلاعات حسابداری رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنی که استفاده از اختیار در مورد تصمیمات عملیاتی، سرمایه‌گذاری و تأمین مالی که شاخص‌های مهم مدیریت سود واقعی هستند می‌توانند بر شفافیت اطلاعات مالی اثر گذار باشند. با توجه به اینکه پژوهش مشابه در این زمینه وجود نداشته لذا امکان تطبیق یافته‌ها نبود.

یافته‌های پژوهش نشان داد که که کاهش مدیریت سود تعهدی، الزاما منجر به افزایش شفافیت اطلاعات حسابداری نمی‌گردد؛ بلکه ممکن است اثر آن، اتکای کمتر بر ارقام تعهدی و اتکای بیشتر بر فعالیت‌های واقعی باشد. این واقعیت نشان می‌دهد که فعالان نظارتی کشور بویژه سازمان بورس اوراق بهادار تهران، سازمان حسابرسی، موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و... به منظور صیانت بهتر از منافع کلیه ذینفعان، نسبت به دستکاری فعالیت‌های واقعی حساسیت بیشتری به خرج دهند و تدابیری را نیز برای پیشگیری و کشف و گزارش بموقع موارد مدیریت سود و برخورد با آنها بیاندیشند. توجه به رشد و گسترش سریع بازار سرمایه ایران طی سالهای اخیر و همزمان، تصویب و انتشار قوانین و مقررات و دستورالعمل‌های مختلف توسط دولت و سایر نهادهای ذیربط، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی بیشتر به بررسی آثار این قوانین و مقررات در محدود نمودن فعالیت‌های مدیریت سود پرداخته شود. همچنین می‌توان از طریق پژوهش‌هایی با رویکرد کیفی همچون تئوری داده بنیاد به بررسی دلایل تمایل و همچنین زمان اقدام مدیران به مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی، از طریق مطالعه ادبیات مختلف و مصاحبه با مدیران ارشد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پرداخت محدودیتی که در این پژوهش وجود دارد این است که دستکاری و تغییر فعالیت‌های واقعی الزاما به معنای مدیریت واقعی سود به طور آگاهانه نیست. بنابراین در تفسیر و استفاده از نتایج پژوهش‌هایی از این قبیل بایستی به این مساله توجه نمایند.

منابع

انصاری، عبدالمهدی؛ دری سده، مصطفی؛ نرگسی، مسعود (۱۳۹۲)، بررسی تاثیر دستکاری فعالیت‌های واقعی بر مدیریت سود تعهدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، یازدهمین همایش ملی حسابداری ایران، دانشگاه فردوسی مشهد.

دارابی، رویا و مرادلو، حسین (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین شفافیت اطلاعات و محتوای اطلاعاتی سود حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال چهارم، شماره ۱۱، صص ۴۱-۵۱.

خیراللهی، فرشید؛ بهشور، اسحاق؛ ایوانی، فرزاد (۱۳۹۳)، مدیریت سود واقعی، حاکمیت شرکتی و نگهداشت وجه نقد، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال یازدهم، شماره ۴۴، صص ۱۴۵-۱۶۱.

قائمی، محمدحسین و علوی، سید مصطفی (۱۳۹۱)، رابطه بین شفافیت اطلاعات حسابداری و موجودی نقد، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال پنجم، شماره ۱۲، صص ۶۷-۷۸.

نرگسی، مسعود (۱۳۹۲)، بررسی مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت سود واقعی در دوره‌های قبل و بعد از تصویب قانون بازار اوراق بهادار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

مشایخی، بیتا و حسین پور، امیرحسین (۱۳۹۵)، بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی در شرکت‌های مشکوک به تقلب بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۲، شماره ۴۹، صص ۲۹-۵۲.

نوروش، ایرج؛ سپاسی، سحر؛ نیک بخت، محمدرضا (۱۳۸۴)، بررسی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و دوم، شماره ۲، صص ۱۶۵ تا ۱۷۷.

یوسفی اصل، فرزانه؛ ملانظری، مهناز و سلیمانی امیری، غلامرضا (۱۳۹۳)، تبیین مدل شفافیت گزارشگری، فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۱-۳۸.

- Barth, M. E. , Konchitchki, Y. & Landsman , W.R. (2010). Cost of Capital and Earnings Transparency. *Working paper*, SSRN. com.
- Barth, M. E. , and Schipper, K. (2008). *Financial Reporting Transparency. Journal of Accounting, Auditing, and Finance*, 23:173-190.
- Bushman, R and Smith, A (2001). Financial accounting information and corporate governance . *Journal of accounting and economics* , 32(1-3): 237-333.
- Cheung, Y. L , Ping, J. b, Weiqiang, T. (2010). A transparency Disclosure Index measuring disclosures: Chinese listed companies, *Journal of Accounting Public Policy*, 29: 49-58.
- Dechow, P.M. and Skinner, D.J. (2000). Earnings management: Reconciling the views of accounting academics, practitioners, and regulators. *Accounting Horizons*, 14: 235-250.
- Ewert, R, and Wagenhofer, (2005), Economic Effects of Tightening Accounting Standards to Restrict Earnings Management , *The Accounting Review*, 80(4): 1101-1124.
- Francis, J. , R. LaFond, P. Olsson, and K. Schipper (2004). Costs of Equity and Earnings Attributes. *The Accounting Review* 79: 967-1010.
- Gunny, k., (2005), what are the consequences of real earning management? *Working paper, university of California*.
- Healy, P. M., and Wahlen, J. M.(1999). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting, *Accounting Horizons*, 13: 365-383
- Hunton, J. E., Libby, R., & Mazza, C. L. (2006). Financial reporting transparency and earnings management (retracted). *The Accounting Review*, 81(1): 135-157
- Madhani, P. (2009). Role of Disclosure and Transparency in Financial Reporting. *The accounting world*, 7(6): 63-66.
- Nakashima. M., ziebart. D.(2015). did Japanese- sox have an impact on earnings management and earnings quality?, *managerial auditing journal*, 30: 482-510.
- Khalid Al-Amri (2016). Real earnings management in public vs private firms in the GCC countries: a risk perspective, *Journal of Applied Accounting Research*, 18 (2): 242-260.
- Roychowdhury, S.(2006). Earnings management through real activities manipulation, *Journal of Accounting and Economics*, 41: 335-370.
- Sanjaya, P.S. and Saragih, M.F.(2012). The Effect of Real Activities Manipulation on Accrual Earnings Management: The Case in Indonesia Stock Exchange (IDX). *Journal of Modern Accounting and Auditing*, 8(9): 1291-1300.
- Schipper, K, Earning Management, *Accounting Horizons*, 3:91-106.

- Yu, W, (2008). Accounting-Based Earnings Management And Real Activities Manipulation, *Dissertation, Georgia Institute of Technology*.
- Yu, Fan (2005).”Accounting transparency and the term structure of credit preads, *Journal of Financial Economics*,75: 53–84.